

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۷ می ۲۰۲۳

طالب چرا به معجزه محتاج شده است؟

سه شنبه- ۲۶ ثور ۱۴۰۲ - کابل: «نورمحمد ثاقب، وزیر حج و اوقاف طالبان که معتقد است "ملا عمر" برای رهبری و امارت آفریده شده بود، در مراسم سالمرگ رهبر پیشین این گروه سوگند خورد و خدا را شاهد گرفت که در هنگام سخنرانی "ملا عمر" در مراسم بیعت، خروسها به گونه معجزه آسانی شروع به "آذان دادن" کردند. "ملا یعقوب"، فرزند "ملا عمر" و سرپرست وزیر وزارت دفاع طالبان هم در این مراسم گفت که پدرش انتخاب خدا برای برقراری نظام اسلامی بوده است.» رسانه ها

دریادداشت امروز مکث کوتاهی داریم در باب پناه بردن به معجزه از جانب داعیان اسلام سیاسی و اهداف این پناهجویی.

تا جایی که بزرگانی که بیش از ۶۰ سال عمر دارند و مدتی در اروپا زندگانی نموده اند قصه می کنند، نخستین کسی که در جنگ آزادیبخش مردم افغانستان که اسلام سیاسی آن را "جهاد" نامید، جهت فریب شنوندگان و میزبانانش به معجزه پناه برد، "صبغة الله مجددی" بود.

به اساس گفته های این بزرگواران زمانی که بین سالهای ۵۹ و ۶۰ غرب جهت تحمیق توده های میلیونی خودش نیاز داشت تا نمایندگانی از مقاومت آزادیخواهان مردم افغانستان علیه اشغالگران شوروی متوفا را به کشور های شان جهت سخنرانی دعوت نمایند، یکی از کسانی که نسبت به سایر سران بیشتر دعوت می شد و گویا بهتر از سایر سران جهادی با روحیه و روانشناسی شنوندگان غربی آشنائی داشت و می توانست در روند تحمیق مفید ثابت شود، "صبغة الله مجددی" بود.

در جریان یکی از همین دعوت ها که جنابشان در پارلمان المان سخنرانی می نمود و با تمام قدرت می کوشید تا شدت حملات هوائی ارتش به ظاهر سرخ ماهیتاً سیاه را برآزنده بسازد، یکی از وکلای المان از وی پرسید: "با این قدرت آتشی که روسها علیه شما به کار می برند، بسیار جالب است بدانیم که شما چگونه می توانید خود را زنده نگه دارید؟" آقای "مجددی" که گویا فرد حاضر جوابی بود، بدون درنگ پاسخ داد:

"اگر آنها بمب دارند ما خدا داریم! وقتی روسها از بالا بمب های ۵۰۰ کیلوئی و حتی ۱۰۰۰ کیلوئی را پرتاب می نمایند، خداوند به کمک ما شتافته با فرستادن کبوتران سفید که بمبها را به نول خود گرفته بالای خودشان می اندازد، نه تنها ما را از مرگ نجات می دهد بلکه روسها را نیز نابود می نماید"

این گفته های "مجددی" در واقع اولین پناهجویی نوع بیمارگونه به معجزه می باشد. این که علی رغم مسخره شدن "مجددی" توسط رسانه های آنزمان، چه تعدادی از سران جهادی از این نوع دروغ ها گفتند و مقاومت آزادیبخش مردم ما را به تمسخر گرفتند، چیزی کمتر از مثنوی هفتاد من کاغذ نیست که پرداختن بدان باشد به زمان دیگری.

وقتی اینک "نور محمد ثاقب" تقریباً ۴۳ سال بعد از ادعای نخستین معجزه، در چنین سطحی باز هم ادعای معجزه می نماید، می تواند بیانگر چند نکته باشد:

*- این که در بازه زمانی ۴۳ سال یعنی یک نسل کامل، "ثاقب" می آید و به جای "کبوتران" دافع هوای جهادی ها، "خروسان" هوشیارتر از تمام بندگان خدا را می نشاند و از زبان خروسها، می خواهد حقانیت امارت "امیرالمؤمنین ملا عمر" را ثابت نماید، گذشته از این که ایستائی تکامل در این دو نسل را نشان می دهد، درجه بی حیائی "ثاقب" را نیز می رساند که چگونه به شعور همگان توهین می دارد.

*- نکته اساسی این است بدانیم که چرا "نورمحمد ثاقب" به چنین دروغ رسوا کننده ای پناه برده است؟ به نظر من هرگاه کلیت سخنرانی های آن جلسه را در ارتباط دیالکتیکی با یک دیگر در نظر گیرم دیده می شود گفت که سخنرانان بسیار آگاهانه دو هدف را تعقیب می نمودند،

نخستین هدفی را که سخنرانان در مجموع این دروغ ها و قسم خوردن به قرآن و خدا را شاهد گرفتن تعقیب می نمودند، تحمیق هرچه بیشتر مردم عوام و صفوف "اسلامزده" خود طالب است. مبلغان چنین ادعاهائی با حرکت از این واقعیت که از یک جانب "دروغ هر قدر بزرگتر باشد، احمق زودتر آن را می پذیرد" و از جانب دیگر مردم عقب مانده و صفوف "اسلامزده" طالب با شنیدن چنین ادعاهائی به جای آن که برگفته های این ملای کاذب و دروغگو شک نمایند، "صدق رسول الله" گفته، مهرة انتخابی امریکا، انگلیس و عربستان سعودی را که بنا بر اعتراف شخص "بی نظیر بوتو" صدراعظم وقت پاکستان به وسیله "آی. آس. آی." بر اریکه قدرت گماشته شد، انتخاب "الله" و تأیید "الهی" باور می نمایند.

دومین هدفی که از چنین ادعائی تعقیب می گردد، پناه جستن در عقب "ملا عمر" و حمله غیر مستقیم به "ملا هیت الله" امیر کنونی نظام است. گوینده در کنار سایر گویندگان و سخنرانان که از زوایای مختلف با برجسته ساختن شخصیت "ملاعمر" و وی را انسانی با سعه صدر به دور از باندبازی، محلی گرائی و خویش خوری معرفی می دارند و از آن طریق "ملا هیت الله" را انسان انحصار طلب و انحصارگر، محلی گرا و حتا نادان معرفی می دارند، احتمالاً با یک تباری از قبل مشخص شده، با بالا بردن اهمیت انتخاب "ملاعمر" و آن انتخاب را با تأیید "الهی" معرفی داشتن، تلویحاً مشروعیت "ملا هیت الله" را زیر سؤال می برد.

هموطنان گرامی! چنین ادعاهائی و رهبران طالب را "انتخاب الهی" معرفی داشتن، غیر مستقیم بدان معنا نیز می باشد که کفگیر دروغ و ریاکاری طالب به ته دیگ رسیده و از آخرین اسلحه شان که همانا "الهی دانستن امارت" است می خواهند به دوام عمر ننگین شان بیفزایند. اینها حاضر نیستند بدانند که وقتی مردم افغانستان بخواهند طالب را به گورستان تاریخ بفرستند، این که انتخاب چه مرجع و نیروئی است دم روی شان را نخواهد گرفت. به خصوص وقتی مطمئن شوند که خروسها هم اذان بی موقع داده اند، در آنصورت سر خروسان را نیز قطع خواهند کرد.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!
مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!